

د افغانستان اسلامي امارت
ISLAMIC EMIRATE OF AFGHANISTAN

د ویـانـد دفـتـر | دفـتـر سخنگوی
OFFICE OF THE SPOKESPERSON

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمدللّه ربِّ العٰلمين والصّلوٰة والسّلام علیٰ سیّد المُرسلين و علیٰ آله و أصحابه أجمعين.

فرمان

عالیقدر امیرالمؤمنین حفظه الله تعالی در مورد جلوگیری از رواج‌های نادرست هنگام خویشی، عروسی‌ها، مصیبت‌ها و همچنان بازگشت از حج و عمره



دین الله تعالی که خاتم النبیین حضرت محمد صلی الله علیه وسلم به انسان ها رسانده و بیان کرده است، هر نوع نیکبختی، آسایش و خوشی دنیا و آخرت در آن نهفته است که با عملی کردن آن، یقیناً تمام مشکلات انسان ها حل و در هر مرحلۀ زندگی از سهولت های بی‌نظیر بهره مند می باشند، الله تعالی دین خود را دوست دارد و از روی مهربانی بندگان خویش را به تفکر، تدبر و عملی کردن آن دعوت نموده است و جهت عملی کردن دین در تمام عرصه های زندگی، حضرت محمد صلی الله علیه وسلم را الگو قرار داده است و هرآنچه که نبی صلی الله علیه وسلم به امت عرضه کرده است، به عملی کردن و هرآنچه که از آن منع کرده است به اجتناب از آن، حکم نموده است. چنانچه الله جل جلاله در آیات ذیل فرموده است: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...﴾(الأحزاب: ۲۱)

ترجمه: به تحقیق برای شما اقتداء در [روش و رفتار] رسول الله الگوی نیکویی است (تفسیر کابلی)

همچنان اللّٰه جل جلاله فرموده است: ﴿وَما آتاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَما نَهاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾(الحشر، آیت: ۷).

ترجمه: و آنچه که داده به شما رسول (الله)، پس بگیرید آنرا؛ و آنچه که منع می کند شما را (رسول الله) از آن، پس بازایستید (طلبش نکنید). (تفسیر کابلی)

دیگر اینکه؛ هر آنچه که در دین نباشد، رسول الله صلی الله علیه وسلم آنرا مردود و باطل گردانیده است. چنانچه از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: مَنْ عَمِلَ عَمَلاً لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ.[1]

ترجمه: کسیکه یک عملی را انجام داد که در دین ما نباشد، آن مردود و باطل است.

از حضرت شعبي رحمه الله روایت است که حضرت عمر بن الخطاب رضی الله عنه فرموده است: يآأيهاالناس رُدُّوا الجهالاتِ إلى السنة[2].

ترجمه: ای مردم! طُرق جاهلانه (خلاف سنت) را به سنت برگردانید (تلاش اصلاح آنرا کنید).

(۱) رواه مسلم في صحيحه، د حديث شمېره (۳۲۴۳)، قال أهل اللغة : الرد هنا بمعنى المردود : أي فهو باطل غير معتد به وهذا الحديث قاعدة عظيمة من قواعد الدين وهو من جوامع الكلم التي أوتيها المصطفى صلى الله عليه و سلم فإنه صريح في رد كل بدعة وكل مخترع، وهو صريحة في ترك كل محدثة سواء أحدثها فاعلها أو سبق إليها، وهذا الحديث مما ينبغي حفظه وإشاعته واستعماله في إبطال المنكرات فإنه يتناول ذلك كله. شرح النووي على صحيح مسلم (٤/ ١٨)، ط: دارالكتاب العربي، بيروت لبنان.

(۲) رواه البيهقي في السنن الكبرى، مسلسله شمېره (۱۵۳۲۲).

با توجه به آیات، حدیث شریف و اثر مبارک فوق، امارت اسلامی می‌خواهد که در تمام عرصه های زندگی طُرق خلاف سنت را به سنت برگرداند، بناءً اینکه؛ نکاح (عروسی کردن) سنت است؛ اما متأسفانه در جامعه ما رواج نادرست و زیان‌آور با این عمل شرعی و مسنون به حدی آمیخته شده است که مردم را نه تنها از لحاظ دنیوی با زیان‌های مالی کمرشکن مواجه کرده، بلکه از لحاظ دینی نیز منکرات زیاد در آن انجام می‌شود که به هدف اصلاح و جلوگیری، چند مورد آن در اینجا ذکر می گردد:

زیادت در مهرها کار شایسته نیست:

شریعت، در عروسی ها به آسانی و اجتناب از مصارف گزاف ترغیب می کند.

از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است:«إِنَّ أَعْظَمَ النِّكَاحِ بَرَكَةً أَيْسَرُهُ مَؤُونَةً»[۳]

ترجمه: به تحقیق، با برکت‌ترین نکاح آن است که هزینه‌اش کم باشد.

در حدیث شریف دیگر می آید:

"تَيَاسَرُوا فِي الصَّدَاقِ، إِنَّ الرَّجُلَ يُعْطِي الْمَرْأَةَ حَتَّى يَبْقَى ذَلِكَ فِي نَفْسِهِ عَلَيْهَا حَسِيكَةً..."[۴]

ترجمه: با یکدیگر در مهر آسانی کنید (یعنی مهر کم تعیین نمایید)؛ زیرا گاهی مرد به زن آن قدر مهر میدهد که به سبب آن در دلش با آن زن کینه (نفرت) پیدا می گردد.

حضرت عمر رضی الله عنه فرموده است:

أَلَا لَا تُغَالُوا صُدُقَةَ النِّسَاءِ، فَإِنَّهَا لَوْ كَانَتْ مَكْرُمَةً فِي الدُّنْيَا، أَوْ تَقْوَى عِنْدَ اللَّهِ لَكَانَ أَوْلَاكُمْ بِهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.[۵]

ترجمه: آگاه باشید! مهرهای زنان را بسیار زیاد نسازید؛ زیرا اگر زیادت مهر، عزت دنیوی یا تقوی در نزد الله عزوجل می بود، پس نبی صلی الله علیه وسلم بیشتر از شما مستحق آن بود.

با استدلال از احادیث مبارک متذکره و برخی احادیث دیگر، فقهای کرام رحمة الله تعالی علیهم تخفیف در مهر را مسنون و مرغوب دانسته اند.[٦]

(۳) مسند أحمد (٤١/ ٧٥) رقم الحديث(٢٤٥٢٩)، مُسْنَدُ الصِّدِّيقَةِ عَائِشَةَ بِنْتِ الصِّدِّيقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا.

(۴) مصنف عبد الرزاق الصنعاني (٦/ ١٧٤)، رقم الحديث(١٠٣٩٨).

(۵): (صحيح سنن أبي داود، باب الصداق، برقم: ١٨٣٤).

(٦): «ولكن يسن تخفيف الصداق وعدم المغالاة في المهور، لقوله صلّى الله عليه وسلم: «إن أعظم النكاح بركة أيسره مؤونة» وفي رواية «إن أعظم النساء بركة أيسرهن صداقاً» وروى أبو داود وصححه الحاكم عن عقبة بن عامر حديث: «خير الصداق أيسره». والحكمة من منع المغالاة في المهور واضحة وهي تيسير الزواج للشباب، حتى لا ينصرفوا عنه، فتقع مفاسد خلقية واجتماعية متعددة، وقد ورد في خطاب عمر السابق: «وإن الرجل ليغلي بصدقة امرأته حتى يكون لها عداوة في قلبه». الفقه الاسلامي وادلته (٦٧٦٤/٩) دار الفكر - سورية - دمشق

مهر، حق زن منکوحه است و استفاده از آن به هیچ شخصی صحیح نیست.

مهر حق زن است و هیچ شخصی حق ندارد که آنرا بدون رضایت وی مصرف کند، حتی اینکه فقهاء رحمهم الله تعالی می گویند: پدران و پدرکلان‌هایی که مهر دختران یا نواسه ها را مصرف می کنند، آنان غاصب و ضامن مهر میباشند؛ در صورتی‌که پدر و پدرکلان با استفاده از مهر غاصب شمرده شوند، پس به برادر، کاکا و دیگر خویشاوندان قطعاً هیچ راه وجود ندارد که مهرهای خواهران، برادرزاده‌ها و یا دختران خویشاوند دیگری را استفاده نمایند یا آنرا بدون رضایت آنان مصرف کنند.[۷]

پدران و خویشاوندان اگر از استفاده مهر منع شوند، مهرها خود به خود کاهش می‌یابند؛ زیرا امروزه پول زیاد به نام مهر گرفته می‌شود، مگر پدر یا خویشاوندان دیگر از آن استفاده می کنند و پول بسیار کم را به نام مهر به زنان می دهند.

بناءً تعدادی از رواج هایی که علاوه بر منع شرعی و اسراف، باعث مشکلات اقتصادی و نابسامانی‌های اجتماعی و اخلاقی به سطح بلند شده اند، که از طرف هیئت مشترک متشکل از علمای کرام مجالس فقهی مربوط دارالافتای امارت اسلامی افغانستان، شیوخ عظام معتبر افغانستان، اعضای محترم کمیسیون اقتصادی و نمایندگان وزارت ها و ادارات ذیربط امارتی تشخیص شد که در مورد آن مراتب ذیل را منظور می‌دارم:

نکات قابل رعایت در امور مربوط به عروسی

ماده اول:

(۱) ولی دختر بالغ که اکثر اوقات پدر یا برادر وی می باشد، شرعاً مکلف است، حقوق شرعی وی را رعایت نماید.

(۷) فَحَاصِلُهُ: أَنَّ فِي الْمَهْرِ حُقُوقًا ثَلَاثَةً: أَحَدُهُمَا حَقُّ الشَّرْعِ وَهُوَ أَنْ لَا يَكُونَ أَقَلَّ مِنْ عَشَرَةِ دَرَاهِمَ أَوْ مَا يُسَاوِيهَا. وَالثَّانِي حَقُّ الْأَوْلِيَاءِ وَهُوَ أَنْ لَا يَكُونَ أَقَلَّ مِنْ مَهْرِ الْمِثْلِ. وَالثَّالِثُ حَقُّ الْمَرْأَةِ وَهُوَ كَوْنُهُ مِلْكًا لَهَا، ثُمَّ حَقُّ الشَّرْعِ، وَالْأَوْلِيَاءِ مُرَاعًى وَقْتَ الثُّبُوتِ فَقَطْ فَلَا حَقَّ لَهُمَا حَالَةَ الْبَقَاءِ. البحر الرائق (۳/ ۱٤٤)

- (الْمَادَّةُ ۹۷) : لَا يَجُوزُ لِأَحَدٍ أَنْ يَأْخُذَ مَالَ أَحَدٍ بِلَا سَبَبٍ شَرْعِيٍّ. مجلة الأحكام العدلية (ص: ۲۷)

نعم إن كان الأب يأكل مهور البنات كالفلاحين والأعراب فالقول بتضمينه إذا مات مجهلا ظاهر؛ لأنه غاصب من أول الأمر؛ لأنه إنما قبض المهر لنفسه لا لبنته فليكن التعويل على هذا التفصيل والله تعالى أعلم.. العقود الدرية في تنقيح الفتاوى الحامدية (۲/ ۷٤).

إِذا كَانَ الاب مِمَّن يَأْكُل مُهُور الْبَنَات كالفلاحين والاعراب، فَالْقَوْل بتضمينه إِذا مَاتَ مجهلا ظَاهر لانه غَاصِب من أول الامر، لانه إِنَّمَا قبض الْمهْر لنَفسِهِ لَا لبنته، فَلْيَكُن التعويل على هَذَا التَّفْصِيل وَمثله الْجد كَمَا مر اهـ. قره عين الأخيار لتكملة رد المحتار علي الدر المختار (۸/ ٤۸۲)

وَإِنَّمَا يمْلكُ الْأَبُ قَبْضَ الصَّدَاقِ بِرِضَاهَا دَلَالَةً فَيَبْرَأُ الزَّوْجُ بِالدَّفْعِ إلَيْهِ وَلِهَذَا لَا يمْلكُ مَعَ نَهْيِهَا، وَالْجَدُّ كَالْأَبِ كَمَا فِي الْخَانِيَّةِ.... بِخِلَافِ سَائِرِ الْأَوْلِيَاءِ لَيْسَ لَهُمْ حَقُّ قَبْضِ مَهْرِهَا بِدُونِ أَمْرِهَا؛ لِأَنَّهُ مُعَبَّرٌ البحر الرائق (۳/ ۱۱۸)

(۲) ولی دختر بالغ شرعاً مسئولیت دارد، در نامزد کردنش با وی مشوره کند و نظر مثبت وی را بگیرد.

(۳) ولی دختر بالغ شرعاً نمی‌تواند، بدون رضایتش وی را به اجبار به کسی به نکاح بدهد.

(۴) هرگاه ولی دختر بالغ، دختر مذکور را بدون رضایت وی به اجبار به شخصی به نکاح بدهد، وی می‌تواند به محاکم و ادارات مربوط شکایت و عریضه کند، در این صورت، رعایت فرمان شماره (۸۳ج۱) مؤرخ (۱۴۴۳/٤/۲۷هـ.ق) عالیقدر امیرالمؤمنین حفظه الله تعالی ضروری است.

(۵) زن از نظر اسلام در موضوع نکاح کردن مانند مرد مستقل است، به هیچ صورت مال کسی نمی‌گردد و بعد از فوت شوهر خود یا طلاق، بدون رضایت و مشورۀ وی، خانوادۀ خسر و یا هم خانوادۀ پدر نمی‌تواند وی را به زور به شخص دیگری به نکاح بدهد، وی با رضایت خود در جایی و با هرشخصی که بخواهد، مطابق اصول شرعی نکاح کرده می تواند.

(۶) مهری که در نکاح به زن داده می‌شود، حق زن است و شخصی نمی تواند آنرا از وی بگیرد، در این مورد رعایت فرمان شماره (۸۳ج۱) مؤرخ (/٤/۱۴۴۳هـ. ق) عالیقدر امیرالمؤمنین حفظه الله تعالی ضروری است.

(۷) هرگاه شخصی بر دختر یا زنی فیر کند یا کاکل وی را قطع کند و یا بالای وی چادر بیندازد، با این و یا طریقۀ دیگر جبراً وی را خانم خود بپندارد، این عمل غیرشرعی و جرم است، چنین اشخاص به محاکم امارت اسلامی معرفی شوند تا به سزای جرم خویش برسند.[۸]

(۸) نامزدی که در آن عقد (ایجاب و قبول) در حضور شاهدان صورت نگرفته باشد، شرعاً نکاح محسوب نمی‌شود.

(۹) در شریعت اسلامی، اندازۀ کم مهر ده درهم و اندازۀ زیاد آن حد ندارد، اگر زن راضی باشد، با ده درهم یا با مال معادل آن نیز نکاح صورت می گیرد، اگر رضایت وی نباشد، پس به جز از پدر یا پدرکلان دلسوز و خیرخواه، خویشاوندان دیگر و یا پدر و پدرکلان بد اختیار نمی توانند که به مهر کمتر از اندازۀ مهر مثل نکاح وی را عقد نمایند و اگر به اندازۀ

(۸) دلته باید سزا وباکله شي.

کمتر از مهر مثل نکاح وی را عقد کرده باشند، چنین نکاح صحیح نیست؛ مهر حق زن است، خویشاوندان برای خود هیچ پولی را نه طلب و نه اخذ کرده می‌توانند.[۹]

(۱۰) شریعت اسلامی، به کم کردن مهر ترغیب کرده است؛ مردم سعی کنند که رواج گرفتن مهر زیاد را ختم نمایند و به مهر کم اکتفاءکنند.

(۱۱) علاوه بر مهر، اخذ پول به نام ولور، غذا(اشیاء و اجناس خوراکی که یک یا دو روز قبل از عروسی، داماد به خانۀ عروس می‌برد)، باېږي(اضافه ستانی از مهر تعیین شده)، طویانه و خوښي(مصرف عروسی) از طرف خانوادۀ خسر و یا به نام رواج های دیگر جایز نیست، فقهای کرام رحمهم الله آنرا رشوت محسوب می نمایند.( )

(۱۲) بعد از نامزدی، برگزاری مهمانی‌ها پایوازی و شیرینی‌خوری (دستمال کلان) و یا به نام های دیگر، رواج های بی‌جا است از آن اجتناب شود، اجازۀ دوبار بردن دستمال (دستمال کلان) نیست و در یکبار دستمال (دستمال خرد) تعداد مهمانان مرد و زن نیز به اندازۀ کم باشد و تحفه دادن به جز از داماد و عروس به شخص دیگری در این مراسم، منع است؛ البته تحایف به داماد و عروس نیز مطابق توان؛ فقط لباس و اشیای عادی زینت و آرایش باشد؛ موتر، موترسایکل، خانه (منزل) و سایر اشیای قیمتی در تحفه داده نمی‌شود.

(۱۳) مراسم دستمال در هوتل نباشد؛ زیرا این اسراف است و الله تعالی فرموده است:
﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ (الاعراف: آیت۳۱).

(۹) (وَإِنْ كَانَ الْمُزَوِّجُ غَيْرَهُمَا) أَيْ غَيْرَ الْأَبِ وَأَبِيهِ وَلَوْ الْأُمَّ أَوْ الْقَاضِي .... (لَا يَصِحُّ) النِّكَاحُ (مِنْ غَيْرِ كُفْءٍ أَوْ بِغَبْنٍ فَاحِشٍ أَصْلًا) وَمَا فِي صَدْرِ الشَّرِيعَةِ صَحَّ وَلَهُمَا فَسْخُهُ وَهْمٌ (وَإِنْ كَانَ مِنْ كُفْءٍ وَبِمَهْرِ الْمِثْلِ صَحَّ وَ) لَكِنْ (لَهُمَا) أَيْ لِصَغِيرٍ وَصَغِيرَةٍ وَمُلْحَقٍ بِهِمَا (خِيَارُ الْفَسْخِ) وَلَوْ بَعْدَ الدُّخُولِ (بِالْبُلُوغِ أَوْ الْعِلْمِ بِالنِّكَاحِ بَعْدَهُ) لِقُصُورِ الشَّفَقَةِ. الدر المختارمع رد المحتار (۳/ ٦۷).
- لَكِنَّ الْمُفْتَى بِهِ الْآنَ بُطْلَانُهُ كَالصَّغِيرَةِ الَّتِي زَوَّجَهَا غَيْرُ الْأَبِ وَالْجَدِّ غَيْرَ كُفْءٍ أَوْ بِدُونِ مَهْرِ الْمِثْلِ . (رد المحتار) (۳/ ٦۰۹).
وَلَوْ أُكْرِهَتْ عَلَى أَنْ تَزَوَّجَتْهُ بِأَلْفٍ، وَمَهْرُ مِثْلِهَا عَشَرَةُ آلَافٍ زَوَّجَهَا أَوْلِيَاؤُهَا مُكْرِهِينَ فَالنِّكَاحُ جَائِزٌ وَيَقُولُ الْقَاضِي لِلزَّوْجِ: إنْ شِئْت أَتِمْ لَهَا مَهْرَ مِثْلِهَا وَهِيَ امْرَأَتُك إنْ كَانَ كُفُؤًا لَهَا، وَإِلَّا فَرَّقَ بَيْنَهُمَا وَلَا شَيْءَ لَهَا إلَخْ فَافْهَمْ. الدر المختار وحاشية ابن عابدين (رد المحتار) (۳/ ۲۱).
- نَعَمْ إذَا كَانَ مُتَهَتِّكًا لَا يَنْفُذُ تَزْوِيجُهُ إيَّاهَا بِنَقْصٍ عَنْ مَهْرِ الْمِثْلِ وَمِنْ غَيْرِ كُفْءٍ . (رد المحتار) (۳/ ٥٤).
(۱۰) ومن السحت: ما يأخذه الصهر من الختن بسبب بنته بطيب نفسه حتى لو كان بطلبه يرجع الختن به مجتبى." (رد المحتار) (٦/ ٤۲٤)
(أخذ أهل المرأة شيئا عند التسليم فللزوج أن يسترده) لأنه رشوة. (قوله عند التسليم) أي بأن أبى أن يسلمها أخوها أو نحوه حتى يأخذ شيئا، وكذا لو أبى أن يزوجها فللزوج الاسترداد قائما أو هالكا لأنه رشوة.الدر المختار مع رد المحتار (۳/ ۱٥٦).

ترجمه: ای فرزندان آدم! بگیرید شما زینت (زیبایی) خود را هنگام هر نماز (به پوشیدن لباس پاک، ستر عورت و بخوریدو بنوشید و اسراف (مصرف بی‌جا) نکنید، بدون شک الله مسرفان (اسراف‌کنندگان) را دوست نمیدارد. (تفسیر کابلی)

(۱۴) بعد از نامزدی و نکاح، سعی شود که در صورت امکان هرچه زودتر، عروسی صورت گیرد.

(۱۵) بعد از نامزدی، پوشاک (لباس های) رواجی و تکراری منع است، یکبار در سال اجازۀ بردن یک جوره (لباس) فقط به عروس از طرف داماد مطابق توان بدون اسراف می‌باشد، بردن پوشاک (لباس‌ها) از طرف عروس به داماد مطلقاً منع است.

(۱٦) مراسم ولیمه و عروسی بدون اسراف و ریاء، مطابق با توان داماد و در مکان و موترهای دلخواه وی برگزار شود، خانواده عروس نمی‌تواند داماد را مجبور کند که مراسم عروسی را در هوتل یا موترهای قیمتی برگزار نماید.

(۱۷) داماد مراسم عروسی را در موترهای امارتی برگزار نکند.

(۱۸) هنگام عروسی، از طرف داماد به خانوادۀ عروس خوراکی یا طوی (خوراک پخته یا خام) برده نمی‌شود، همچنین طلب و اخذ مصارف شیرینی‌خوری و پوشاک منع است، همچنان طلب رخت ها به نام دودی و چادر و یا با سایر نام ها از داماد منع است بر اساس شریعت اخذ اشیای متذکره عمل ناجائز است.[۱۱]

(۱۹) حین انتقال عروس، طلب پول از طرف مامای عروس، هم‌سالان عروس، اهالی قریه و یا خدمتگار دیگری و یا برای آنان از خانواده داماد، منع است، البته اگر شخصی به نام صدقه به رضایت خود به خدمتگار قریه که همیشه در خوشی ها خدمت اهالی قریه را می نماید، باکی ندارد.[۱۲]

(۲۰) برگزاری مسابقاتی در عروسی که به برندۀ آن موتر، موترسایکل یا چیز دیگری انعام داده می‌شود، منع است، تا از اسراف بیجا جلوگیری شود، البته مسابقات بازی‌های جایز که در آن انعام نباشد، برگزار شده می تواند.

(١١) ومن السحت: ما يأخذه الصهر من الختن بسبب بنته بطيب نفسه حتى لو كان بطلبه يرجع الختن به مجتبى." (رد المحتار) (٦/ ٤٢٤)
(أخذ أهل المرأة شيئا عند التسليم فللزوج أن يسترده) لأنه رشوة. (قوله عند التسليم) أي بأن أبى أن يسلمها أخوها أو نحوه حتى يأخذ شيئا، وكذا لو أبى أن يزوجها فللزوج الاسترداد قائما أو هالكا لأنه رشوة.الدر المختار مع رد المحتار (٣/ ١٥٦).

(١٢) (أخذ أهل المرأة شيئا عند التسليم فللزوج أن يسترده) لأنه رشوة. (قوله عند التسليم) أي بأن أبى أن يسلمها أخوها أو نحوه حتى يأخذ شيئا، وكذا لو أبى أن يزوجها فللزوج الاسترداد قائما أو هالكا لأنه رشوة.الدر المختار مع رد المحتار (٣/ ١٥٦).



(۲۱) فیرکردن (تیراندازی) و استفادهٔ وسایط امارتی حین مراسم نامزدی، دستمال یا عروسی منع است؛ همچنان، تیزرانی موترها و موترسایکل‌ها، آماده کردن کاروان‌های بزرگ و یا این چنین اعمالی که سبب مسدودیت راه یا تلفات و یا اذیت مردم می شود، منع میباشد.

(۲۲) در عروسی یا بعد از آن، رونمایی (لباس/پول) دادن از طرف مردان و زنان خانواده های دیگر به عروس و سپس از طرف عروس در عوض آن، رونمایی دادن منع است؛ زیرا از این رواج ناپسند تکلیف سنگین به وجود آمده و بدتر اینکه عوض هر شی را دوباره می دهند که به جای محبت، نفرت ایجاد می‌کند.

(۲۳) در مراسم دستمال، به جز از خانوادهٔ داماد مهمانان دیگر، به عروس تحفهٔ پول ندهند و نه خانوادهٔ عروس به مهمانان لباس‌ها و تحایف دیگر بدهند، البته اکرام مهمانان بدون اسراف و ریاء پروا ندارد.

(۲۴) بدل عواقب خوبی ندارد و حتی الامکان از آن اجتناب شود، در صورت بدل، تعیین و پرداخت مهر ضروری است، علمای کرام در مورد کراهیت بدل به مردم آگاهی بدهند.[۱۳]

نکات قابل رعایت در مراسم مُرده‌داری

ماده دوم:

(۱) در بعضی مناطق از طرف خانوادهٔ متوفی به اهالی قریه و مردم دیگر در روزهای معین طعام و مهمانی ترتیب داده می شود که فقهای کرام از آن منع نموده اند، در این مورد چند قول فقهای کرام قرار ذیل است:

- ترتیب مهمانی به مردم از طرف خانوادهٔ متوفی به مناسبت مرده‌داری، مکروه است؛ زیرا مهمانی در خوشی ها می باشد، نه در غم‌ها، این بسیار بدعت ناپسند است (آماده کردن مهمانی در روز غم به مردم، زیرا که این در شریعت اصل ندارد و دیگر اینکه این روزها از خود ترتیبات و مکلفیت ها دارد.[۱۴]

(۱۳) (وَوَجَبَ مَهْرُ الْمِثْلِ فِي الشِّغَارِ) هُوَ أَنْ يُزَوِّجَهُ بِنْتَه عَلَى أَنْ يُزَوِّجَهُ الْآخَرُ بِنْتَه أَوْ أُخْتَهُ مَثَلًا مُعَاوَضَةً بِالْعَقْدَيْنِ وَهُوَ مَنْهِيٌّ عَنْهُ لِخُلُوِّهِ عَنْ الْمَهْرِ، فَأَوْجَبْنَا فِيهِ مَهْرَ الْمِثْلِ فَلَمْ يَبْقَ شِغَارًا.
قَال الشَامي: وَحَاصِلُهُ أَنَّهُ مَعَ إيجَاب مَهْرِ الْمِثْلِ لَمْ يَبْقَ شِغَارًا حَقِيقَةً، وَإِنْ سَلَّمَ فَالنَّهْيُ عَلَى مَعْنَى الْكَرَاهَة، فَيَكُونُ الشَّرْعُ أَوْجَبَ فِيهِ أَمْرَيْنِ الْكَرَاهَةَ وَمَهْرَ الْمِثْلِ، فَالْأَوَّلُ مَأْخُوذٌ مِنْ النَّهْيِ، وَالثَّانِي مِنْ الْأَدِلَّة الدَّالَّة عَلَى أَنَّ مَا سُمِّيَ فِيهِ مَا لَا يَصْلُحُ مَهْرًا يَنْعَقِدُ مُوجِبًا لِمَهْرِ الْمِثْلِ، وَهَذَا الثَّانِي دَلِيلٌ عَلَى حَمْلِ النَّهْيِ عَلَى الْكَرَاهَة دُونَ الْفَسَادِ، وَبِهَذَا التَّقْرِيرِ انْدَفَعَ مَا أَوْرَدَ مِنْ أَنَّ حَمْلَهُ عَلَى الْكَرَاهَةِ يَقْتَضِي أَنَّ الشِّغَارَ الْآنَ غَيْرُ مَنْهِيٍّ عَنْهُ لِإِيجَابِنَا فِيهِ مَهْرَ الْمِثْلِ. الدر المختار مع رد المحتار (۳/ ۱۰۶).
فإذا وقع النكاح على هذا الوجه فالنكاح جائز، ولكل واحدة منهما مهر مثلها إن دخل بها. ولا يحل له فرجها بغير مهر. الأصل للشيباني ط قطر (۱۰/ ۲۵۶)

(۱۴) ويكره اتخاذ الضيافة من الطعام من أهل الميت لأنه شرع في السرور لا في الشرور، وهي بدعة مستقبحة. الدر المختار وحاشية ابن عابدين (۲/ ۲۴۰)، ط: دارالفكر بيروت، كذا في فتح القدير، كتاب الجنائز، (۱۰۲/۲) وحاشية الطحطاوي على مراقي الفلاح (۳۳۹).

- آماده کردن غذا به مردم جمع شده از طرف خانوادهٔ متوفی به مناسبت مرده داری گناه است؛ جریر بن عبد الله رضی الله عنه می‌فرماید: جمع شدن خویشاوندان در خانهٔ متوفی و ترتیب دادن غذا از طرف آنها را ما نیاحت می‌پنداشتیم؛[۱۵]

یعنی ماتم (چیغ و فریاد) را که ممنوع و بد می‌شمردیم، این را نیز بد می‌شمردیم (حال آنکه نیاحت و ماتم گناه کبیره است).[۱۶]

آماده کردن غذا به مردم از طرف خانوادهٔ متوفی مکروه است، زیرا با این، مصیبت آنها بیشتر می‌شود و دیگر اینکه با مردم زمانهٔ جاهلیت مشابهت می‌آید.[۱۷]

- خیرات‌های رواجی برای مشهور ساختن خود و ریاء می باشد، آنرا به خاطر الله تعالی نمی کنند، به همین سبب باید از آن اجتناب شود.[۱۸]

- اگر خیرات رواجی مباح هم شود، به سبب اینکه مردم آنرا به مرتبهٔ واجب رسانیده، مکروه و ترک آن ضرور است.[۱۹]

(۱۵) وروى الإمام أحمد وابن ماجه بإسناد صحيح عن جرير بن عبد الله قال " كنا نعد الاجتماع إلى أهل الميت وصنعهم الطعام من النياحة. الدر المختار وحاشية ابن عابدين (۲/ ۲٤۰)، مطلب في الثواب على المصيبة، كذا في الفقه على المذاهب الأربعة (۱/٤۹۰).

(۱٦) عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، قَالَ: «لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ النَّائِحَةَ وَالْمُسْتَمِعَةَ» رواه ابو داود والبيهقي في شعب الإيمان.

الْكَبِيرَة التَّاسِعَة وَالْأَرْبَعُونَ اللَّطْم والنياحة وشق الثَّوْب وَحلق الرَّأْس ونتفه وَالدُّعَاء بِالْوَيْلِ وَالثُّبُور عِنْد الْمُصِيبَة روينَا فِي صَحِيح البُخَارِيّ عَن عبد الله بن مَسْعُود رَضِي الله عَنهُ قَالَ قَالَ رَسُول الله صلى الله عَلَيْهِ وَسلم لَيْسَ منا من لطم الخدود وشق الْجُيُوب ودعا بِدَعْوَى الْجَاهِلِيَّة . . . وَعَن أبي هُرَيْرَة رَضِي الله عَنهُ قَالَ قَالَ رَسُول الله صلى الله عَلَيْهِ وَسلم اثْنَتَان فِي النَّاس هما بهم كفر الطعْن فِي الْأَنْسَاب والنياحة على الْمَيِّت رَوَاهُ مُسلم وَعَن أبي سعيد الْخُدْرِيّ رَضِي الله عَنهُ قَالَ لعن رَسُول الله صلى الله عَلَيْهِ وَسلم النائحة والمستمعة رَوَاهُ أَبُو دَاوُد الكبائر للذهبي (ص: ۱۸۳)

(۱۷) وروي عن عبد الله بن أبي بكر، أنه قال: فمازالت السنة فينا، حتى تركها من تركها. فأما صنع أهل الميت طعاما للناس، فمكروه؛ لأن فيه زيادة على مصيبتهم، وشغلا لهم إلى شغلهم، وتشبها بصنع أهل الجاهلية. المغني لابن قدامة (۲/ ٤۱۰)، ط: مكتبة القاهرة:

(۱۸) وهذه الأفعال كلها للسمعة والرياء فيحترز عنها لأنهم لا يريدون بها وجه الله تعالى. الدر المختار وحاشية ابن عابدين (۲/ ۲٤۱)، مطلب في الثواب على المصيبة

(۱۹) كُلُّ مُبَاحٍ يُؤَدِّي إلَى زَعْمِ الْجُهَّالِ سُنِّيَّةَ أَمْرٍ أَوْ وُجُوبَهُ فَهُوَ مَكْرُوهٌ. العقود الدرية في تنقيح الفتاوى الحامدية (۲/ ۳۳۳)

قال ابن المنير فيه أن المندوبات قد تقلب مكروهات إذا رفعت عن رتبتها لأن التيامن مستحب في كل شيء أي من أمور العبادة لكن لما خشي بن مسعود أن يعتقدوا وجوبه أشار إلى كراهته والله أعلم. فتح الباري شرح صحيح البخاري (۳۳۸/۲)، ط: دارالمعرفة بيروت:

- قال الطيبي: وفيه أن من أصر على أمر مندوب، وجعله عزما، ولم يعمل بالرخصة فقد أصاب منه الشيطان من الإضلال فكيف من أصر على بدعة أو منكر؟. مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح (۲/ ۷۵۵)، باب الدعاء في التشهد، ط: دارالفكر

با توجه به دلایل متذکرهٔ شرعی فوق و همچنان سایر زیان های متعدد اجتماعی، شرعی و اقتصادی ایجاد شونده، عملی نمودن نکات ذیل ضروری است:

(۱) آماده کردن طعام (در روز اول، سوم، هفتم و چهلم)، از طرف خانوادهٔ متوفی از روی رواج مانند بدرقه(خیرات روزهای اولین متوفی) و مهمانی، منع می‌باشد،[۲۰] صدقه دادن مال نقد یا جنس که شکل مهمانی را نداشته باشد و بدون تعیین روز که شرایط ذیل در آن نیز رعایت شده باشد، سبب ثواب به متوفی است:

۱- صدقه به سبب ریاء، شهرت، سیالی، رواج و طعنهٔ مردم نباشد.

۲- صدقه و خیرات واجب و ضروری شمرده نشود، هرگاه کسی آن را انجام نداد به وی به چشم بد دیده نشود.

۳- تنها وارثان عاقل و بالغ از مال خود به رضایت خود صدقه و خیرات کرده می‌توانند، مال یتیم و وارث غیرحاضر در آن مصرف نشود.

(۲) صدقه و خیرات کردن از مال یتیم برای متوفی، اگرچه به اجازهٔ یتیم باشد، منع است، شخصی که در مال یتیم چنین تصرف نماید، ضمان بر وی لازم است.

(۳) در بعضی مناطق، مردم از روی رواج جهت تعزیت، در عید اول متوفی به خانهٔ متوفی می روند، این نیز رواج نادرست و منع است.

(۴) در بعضی مناطق رواج است که زن بعد از وفات باید ضرور به حضیرهٔ پدری اش انتقال یابد و عدم انتقال وی برای تمام قوم ننگ شمرده می شود، که این کدام حیثیت شرعی ندارد، بلکه بهتر است که در حضیرهٔ مورد نظر شوهر و اولاد وی دفن کرده شود.

(۵) آماده کردن طعام به خانهٔ متوفی از طرف همسایگان و خویشاوندان، عمل مستحب است.

(٦) تعزیت از سوی شریعت مطهره به شمول روز تدفین، سه روز تعیین شده است، البته به اشخاص غائب، بعد از آن نیز اجازهٔ تعزیت وجود دارد.

(۷) بعد از یکبار فاتحه، دوباره رفتن به خانهٔ متوفی به نیت فاتحه مکروه است.

(۸) مسئولین امارتی فاتحهٔ اقارب متوفای خود را اعلان ننمایند، بدون اعلان، فقط به مدت سه روز در محل اقامت خود برای فاتحه حضور داشته باشند.

(٢٠): لما في حاشية الطحطاوي على مراقي الفلاح (ص: ٤٠٩)، فصل في حملها ودفنها، ط: المكتبة الأميرية القاهرة: يكره اتخاذ الطعام في اليوم الأول والثالث وبعد الأسبوع ونقل الطعام إلى المقبرة في المواسم، كذا في ردالمحتار (٢/ ٢٤٠)، مطلب في كراهة الضيافة من أهل الميت.

(۹) حیله اسقاط برای متوفایی انجام می‌شود که فقیر یا مالدار باشد، مگر بدون وصیت وفات کرده باشد، یا وصیت نیز کرده باشد؛ مگر سوم حصهٔ مال او برای فدیهٔ واجب کفایت نکند، اگر متوفی ثروت‌مند باشد و وصیت کرده باشد، بر ولی او واجب است که فدیهٔ واجبه او را از سوم حصهٔ مال اداء نماید و تنها به حیلهٔ اسقاط اکتفاء نکند، البته طریقهٔ حیله مطابق شرایطی باشد که در فقه حنفی از آن ذکر شده است.

(۱۰) شرایط حیلهٔ شرعی قرار ذیل است:

۱- مال جمع‌آوری شده برای حیله اسقاط جهت قبض تنها به مساکین داده می‌شود، به غنی، طفل، دیوانه، سفیه (بی‌عقل) و کافر داده نمی‌شود.[۲۱]

۲- حیله اسقاط به خاطر رواج و خودنمایی نمی شود، بلکه به این نیت صورت گیرد که ذمهٔ متوفی خلاص شود.[۲۲]

۳- ورثهٔ متوفی برای حیله از شخصی پول یا جنس دیگری قرض نگیرند، که خودش مالک آن نباشد و نه از شریکی قرض بگیرند که شریک دیگرش اجازه نداده باشد.(۲۳)

۴- گردانندهٔ فدیه باید وارث متوفی یا وکیل وارث باشد و به وکیل گفته شود که بعد از ختم هر دوره، برای هر دورهٔ بعدی در دادن مال به فقیر و پس گرفتن، دوباره وکیل من هستی.[۲۴]

۵- نمازها و روزه‌های قضاء شدهٔ متوفی باید دقیق حساب شود و اگر دقیق معلوم نباشد، پس به گمان غالب حساب گردد.[۲۵]

٦- هنگام دادن فدیه به فقیر نیت این باشد که فقیر مالک این پول و اشیاء می‌گردد.[۲٦]

(۲۱) لما في مجموعة الرسائل لابن عابدين الشامي (۲۱۱/۱): ويجب الاحتراز أيضاً عن إحضار قاصر أو معتوه أو رقيق أو مدبر... أو غني أو كافر. كذا في منحة الخالق على هامش البحرالرائق (۲/ ۱٦۰)، ط: دارالكتب العلمية، بيروت لبنان،

(۲۲) لما في حاشية الطحطاوي على مراقي الفلاح شرح نور الإيضاح (ص: ٤۳۹): ويعطيه "للفقير" بقصد إسقاط ما يريد عن الميت, وكذا في منهاج السنن. ج، ٤ ص: ۲٥ و مجموعة الرسائل ابن عابدين.

(۲۳) لما في مجموعة الرسائل لابن عابدين (۱/ ۲۲٥): ويجب الاحتراز أيضاً عن جمع الصرة واستيهابها أو استقراضها من غير مالكها أو من أحد الشريكين بدون إذن الآخر.

(۲۴) لما في مجموعة الرسائل لابن عابدين (۱/ ۲۲۱): اللهم إلا أن يوكله وكالة دورية كلما عزل فهو وكيله في الدور... ويجب أن يحترز من أن يديرها أجنبي إلا بوكالة كما ذكرنا.

(۲٥) لما في الدر المختار وحاشية ابن عابدين (۲/ ۷۳)، باب قضاء الفوائت: والأقرب أن يحسب ما على الميت ويستقرض بقدره، بأن يقدر عن كل شهر أو سنة أو يحتسب مدة عمره بعد إسقاط اثنتي عشرة سنة للذكر وتسع سنين للأنثى لأنها أقل مدة بلوغهما.

(۲٦) لما في مجموعة الرسائل لابن عابدين (۱/ ۲۲٥): ويجب الاحتراز عمن أن يلاحظ الوصي عند دفع الصرة للفقير الهزل أو الحيلة بل يجب أن يدفعها عازما على تمليكها منه حقيقة لا تحيلاً.



۷- فقیر به این آگاه باشد یا شخصی وی را بفهماند که با قبض کردن، مالک آن می گردد.(۲۷)

۸- شخصی که فدیه را می‌گرداند و آنرا به فقیر می‌دهد، باید دست‌های خود را از آن دور کند و در دوباره گرفتن از وی، عجله نکند.(۲۸)

۹- گردانندهٔ فدیه به فقیر چنین الفاظ را بگوید: این فدیهٔ نماز، روزه، قسم یا... فلانی که پسر فلانی است، می‌باشد، آن را قبول کن، او بگوید: قبول کردم، من مالک آن شدم، سپس دوباره آن را به شخص مذکور هبه کند.(۲۹)

۱۰- حیله‌کنندگان بعد از دوره از ناراض‌شدن فقیر خودداری کنند، اگر مال از حیله‌کنندگان باشد، آنقدر مال را صدقه بدهند که فقیر بر آن خوشحال شود.(۳۰)

۱۱- هرگاه در ماه‌های حج حیله انجام شود، این در نظر گرفته شود که آنقدر پول یکجا به فقیر داده نشود که حج بر وی فرض شود.

۱۲- اگر متوفی وصیت نکرده باشد، ولی وی از مال به رضایت وارثان، هنگامی چیزی به فقیر داده می‌تواند که در بین وارثان وی غائب و صغیر نباشد و اگر وصیت کرده باشد، پس از سوم حصهٔ مال میت مال داده می‌تواند، گرچه در بین وارثان، غائب یا یتیم نیز باشد.(۳۱)

(۲۷) لما في مجموعة الرسائل لابن عابدين (۱/ ۲۱۲): ويقبلها الفقير، ويقبضها، ويعلم أنها صارت ملكا له.

(۲۸) لما في مجموعة الرسائل لابن عابدين (۱/ ۲۲۵): ويجب الاحتراز عن الإسراع بالقبول قبل تمام الإيجاب. فلا يقول الفقير قبلت إلا بعد تمام كلام الوصي ولايقول الوصي قبلت إلا بعد تمام كلام الفقير كذا في منهاج السنن شرح الترمذي (٤/ ٢٥). كذا في منحة الخالق على هامش البحرالرائق (۲/ ۱٦٠)، ط: دارالكتب العلمية، بيروت لبنان ومنهاج السنن شرح الترمذي (٤/٢٦- ٢٥).

(۲۹) لما في مجموعة الرسائل لابن عابدين (۱/ ۲۱۲): ويقول له خذ هذه الصرة عن فدية صلاة سنة أو عشر سنين مثلا عن فلان بن فلان الفلاني أو ملكتك... ويقول الفقير هكذا: وأنا قبلتها وتملكتها منك ثم يعطيها الفقير.

(۳۰) لما في مجموعة الرسائل لابن عابدين (۱/ ۲۲۵): ويجب أن يحتزر عن كسر خاطر الفقير بعد ذلك بل يرضيه بما تطيب به نفسه. وكذا في منحة الخالق على بحر الرائق لابن عابدين (۲/ ۱٦٠).

(۳۱) لما في منهاج السنن شرح الترمذي (٤/٢٦- ٢٥): ويجب أن لايكون في الورثة يتيم و لا غائب إذا لم يوص. كذا في منحة الخالق على هامش البحرالرائق (۲/ ۱٦٠)، ط: دارالكتب العلمية، بيروت لبنان

اجتناب از برخی مصارف غیرضروری و رواج های نادرست هنگام بازگشت از حج و عمره

ماده سوم:

ترتیب مهمانی و خیرات بزرگ به مردم محل و مهمانان آمده و دعوت‌شده هنگام بازگشت از حج و عمره در بعضی مناطق به مناسبت مبارکی و خوش آمدید و همچنان اعطای تحفه‌های قیمتی به مردم، رواج ضروری گردیده است که از یک طرف حیثیت شرعی ندارد و از طرف دیگر به علت مصرف گزاف سبب محرومیت و یا تأخیر بسیاری از مردم از حج و عمره گردیده است، از همین رو، باید تمام حجاج و معتمرین از مصارف مذکور و رواج‌هـای زیان‌بار اجتناب نمایند.

آگاهی دهی از احکام این فرمان و عملی نمودن آنها

مادهٔ چهارم:

(۱) وزارت های امور داخله، سرحدات، اقوام و قبایل، اطلاعات و فرهنگ، ارشاد، حج و اوقاف، معارف و تحصیلات عالی، رسانهها و شورٰی‌های علماء، مجالس فقهی، خطیبان و امامان مساجد، متنفذین قومی و بزرگان بانفوذ در ولایات و ولسوالی‌ها با حکمت، مصلحت و تفاهم به سهم خویش در مورد احکام این فرمان به مردم آگاهی بدهند و در عملی نمودن احکام فوق کوشش نمایند.

(۲) ریاست عمومی ادارهٔ امور، وزارت امر بالمعروف، نهی عن المنکر و سمع شکایات و لوی ریاست نظارت و تعقیب فرامین و احکام، طور دوامدار از اجراآت وزارت‌ها، ادارات و اشخاص که در فقرهٔ (۱) این ماده ذکر شده است، نظارت نمایند.

انفاذ

مادهٔ پنجم:

این فرمان از تاریخ توشیح نافذ و در جریدهٔ رسمی نشر گردد.

والسلام علیکم ورحمة اللّٰه وبرکاته!

امیرالمؤمنین شیخ القرآن والحدیث

مولوي هبة اللّٰه‌اخندزاده